



27 جنوری 2016



داکتر سید عبدالله کاظم

دلایل توافق به متارکه و توقف جنگ در جبهات سه گانه استقلال علیه قوای انگلیس

(قسمت دوم)**فرمان شاه امان الله غازی عنوانی حضرت صاحب "شمس المشایخ" و سردار شاه محمودخان**

(در قسمت اول مقاله وعده دادم که ان شاءالله در قسمت دوم توجه را به دو فرمان شاه امان الله غازی جلب میدارم: یکی به جواب عریضه حضرت صاحب فضل محمد مجددی (شمس المشایخ) و سردار شاه محمود خان که بتاريخ 26 جوزای 1298 از سمت جنوبی ارسال داشته اند، و دیگر فرمان مورخ 7 سرطان 1298 شمسی عنوانی سردار محمد نادرخان سپه سالار قوماندان عمومی محاذ جنوبی نوشته شده است.)

قبلاً به این سؤال که چرا شاه امان الله غازی با وجود مخالفت بعضی شخصیت های مؤثر پیشنهاد متارکه انگلیسها را فوراً قبول کرد، جنگ را متوقف ساخت و راه حل سیاسی را در پیش گرفت، جواب گفته شد و نیز از جمله مخالفان جدی متارکه از سردار عبدالقدوس خان صدراعظم، سپه سالار محمد نادرخان و از همه مهمتر جناب حضرت صاحب فضل محمد مجددی (شمس المشایخ) که روحانی مبارز، ضد انگلیس و شخصیت با نفوذ در بین قبایل بودند، نام برده شد. اکنون به نقل دو فرمان شاه امان الله غازی می پردازم که از ورای آن میتوان به جزئیات این موضوع مهم پی برد، زیرا موضوع قبول متارکه یکی از مهمترین اختلاف نظر شخصیت های فوق با شاه امان الله میباشد که در همان آغاز سلطنت مطرح گردید و حوادث بعدی بر آن بیشتر اثر افکند، ولو که جناب حضرت صاحب فضل محمد "شمس المشایخ" تا زمان حیات شان از شاه حمایت خود را دریغ نکرد، اما برادران شان بخصوص حضرت صاحب فضل عمر "نور المشایخ" و حضرت محمد صادق مجددی در موارد مختلف به ادامه مخالفت های خویش با شاه امان الله پرداختند که شرح آن درج اوراق تاریخ است.

مقدمه کوتاه درباره فرمان مورد بحث:

حضرت شمس المشایخ و سردار شاه محمود خان شب سه شنبه 26 جوزای 1298 شمسی (مطابق 16 جون 1919) عریضه از سمت جنوبی (محاذ پاکتیا) نوشته و بکابل فرستادند. اعلیحضرت شاه امان الله غازی فرمان آتی را بتاريخ 3 سرطان 1298 از ارگ کابل عنوانی دو تن فوق الذکر ارسال داشت که یکی از طولانی ترین فرمانهای آن عصر محسوب میشود. استاد عزیزالدین و کیلی فوفلزانی ضمن

د پانو شمیره: له 1 تر6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

اینکه متن مکمل این فرمان را در کتاب "نگاهی به تاریخ استرداد استقلال" (صفحه 87) درج کرده خاطر نشان میدارد که اصل این سند را حضرت میا معصوم پسر نورالمشایخ (پدر حضرت صبغت الله مجددی) که مزین به امضا و مهر شاه امان الله غازی بوده از نظر او گذشتانده و یک کاپی آنرا برایش داده است.

ناگفته نماند که فضل غنی مجددی (نواسه حضرت محمد صادق مجددی - بعداً سفیر افغانستان برای سالهای متمادی در مصر) حینیکه کتاب خود را تحت عنوان "افغانستان در عهد اعلیحضرت امان الله خان - 1919 تا 1929) با استفاده از اسناد خانوادگی تألیف کرده، یک کاپی این فرمان را در جمله ضمایم (ضمیمه شماره 19) در اخیر کتاب علاوه نموده که طور معلوم در متن کتاب از محتوای آن استفاده نکرده است و آنهم شاید به دلیلی آنکه فرمان با شیوه خط نستعلیق قدیمی نوشته شده که خواندن آن برای نسل جوان مشکل میباشد. همچنان قابل ذکر است که این فرمان از نظر مؤرخ شهیر میرغلام محمد غبار نیز نگذشته، زیرا موصوف نیز در کتاب مشهور خود "افغانستان در مسیر تاریخ" به محتوای آن هیچ اشاره نکرده است.

در این فرمان که ذیلاً از نظر میگذرد، چند نکته مهم قابل توجه میباشد: یکی شیوه تحریر معمول در آن عصر و استعمال بعضی کلمات که تاحدی با امروز تفاوت دارد و برای خواننده جوان مشکل درک مطلب را ایجاد میکند. لذا نویسنده مقاله کوشیده که آن مطالب را در داخل چوکات [...] قدری توضیح کند. در اصل فرمان طبق معمول آنوقت برای جدا ساختن جملات کمتر از "کامه و نقطه" کار گرفته می شد، نویسنده مقاله کوشیده تا با اضافات کامه و نقطه تاحدی این مشکل را مرفوع سازد. علاوه بر فقرات پنجگانه که به نحوی ماهیت سؤال و جواب را دارا است، شروع فقره به متن نامه ارسالی از طرف حضرت صاحب و شاه محمود خان ارتباط میگیرد و اما بعد از ذکر "اطلاع حاصل شد..." جوابی را در بردارد که از زبان شاه ارقام یافته است. راجع به بررسی اصل موضوع فرمان در اخیر مقاله ابراز نظر کوتاه تقدیم میگردد.

آغاز متن فرمان:

«سیادت و نجابت بنیان شرافت لسان اخوی حضرت فضل محمد صاحب و عالیجاه عزت و عزیزی بنیان ارجمند شاه محمود خان را واضح خاطر باد!

عریضة مورخه لیل سه شنبه 18 شهر رمضان المبارک سنه 1337 قمری [مطابق 26 جوزای 1298 شمسی - نویسنده] ارسالی شما بشرف ملاحظه حضور اعلیحضرت والا گزارش یافت. موازی پنج فقره بقرار شرح ذیل بحضور معروض داشته بودید، بدینموجب:

فقره اول - انشاءالله انتظامات سمت جنوبی ظاهراً به تمامی بندرات [محلات سوقیه] مایه امیدواری و کامیابی است، دشمن دین استطاعت پیش قدمی را ندارد، لکن تعطیل [توقف] محاربه مضرت [ضرر] کلی دارد. اول اینکه مصارف خوراکه مجاهدان و مال مواشی روز بروز قوه معنوی دولت را ضعیف میسازد و گرسنگی سبب تفرقه [جدائی و تشتت] میگردد و ثانیاً جوش و خروش ملتی [مردمی] می نشیند و دل سردی حاصل میشود و ثالثاً دشمن دین چون بمرور زمان تفرقه مجاهدین را بداند، به هیچ نوع سر اصلاح [صلح] نخواهد نهاد و بندارت را خالی یافته از هرطرف هجوم خواهد آورد، و در آن فرصت مدافعه آن محال مطلق [قطعاً ناممکن] است، زیرا که بعد از تفریق [پراکنده شدن] که نا

د پانو شمیره: له 2 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

امیدی مجاهدین داخلی و خارجه حاصل شود، باز جمعیت [جمع آوری] ملکی و نظامی غیر ممکن است.

اطلاع حاصل شد - سرکار والا با این فقره خوب دانسته و علم دارند و بهر طریق سعی می باشند که نفری مجاهدین از جوش و خروش نمانند، چنانچه نفری نظامی سمت مشرقی که شکست خورده و در کابل آمده بودند، همه شان بحضور والا خواسته شده آنچه لازمه قهر و عتاب بود، بالای شان کرده شد؛ همه سرها برهنه کرده شکایت خودها را از بیخبری منصبداران خودها کرده شرح و عفو تقصیر خودها را در قرآن شریف نوشته و مهر کرده عهد و پیمان کرده و عذر خواهی زیاد کردند که مایان واپس بخدمت سمت مشرقی مقرر میشویم و الا بخانه و جای خودها رفته نمیتوانیم و نزد عیال خودها خجالت می کشیم. بنابر عذرخواهی والاحاح شان سررشته شان کرده شد. الیوم بسررشته درست روانه سمت مشرقی شدند و برای پادشاه صاحب [مقصد یکی از سادات آنجا است] و غیره مشایخ فرامین علیحده تحریر شد که همه نفری خود را [مقصد از قوای قومی است] حد بحد تقسیم کرده و آماده باشند، هروقت که حکم شد از هر طرف حمله کنند، نظامی [مقصد از قوای دولتی است] هم میرسد.

خیال و فکر اعلیحضرت والا به شما معلوم شده خواهد بود که تا جان درتن و رمق در بدن داشته باشم از خیر و شرف دولت و ملت افغانستان نخواهم گذشت. شما خاطر خود را جمع دارید که صلح بی شرف [بدون رعایت شرف] افغانستان را انشاءالله تعالی به هیچ صورت قبول نخواهم کرد. اگرچه گفتگو و مکالمه را سررشته نموده ایم و مظنه حاصل میشود هرگاه صلح بشرف [برطبق شرف] افغانستان را قبول کردند و مراد و مدعایی که داشته و داریم، حاصل شد و اگر اندک از شرایط ما را قبول نکردند، از سر و جان خود گذشته خود را انشاءالله تعالی زبان زد خلق نخواهم ساخت، به هر صورت در کارروائی ها [تدابیر و اقدامات] بمعاونت الهی کوشش داشته و داریم تا اراده باری تعالی به چه طریق رفته باشد.

فقره دوم - معروض داشته بودید که صورت اصلاح [صلح] اگر بنوعی که شرف دولت و ملت را زیان نداشته باشد و استقلال دولت را خلل نرساند، به سبب بعضی مصالح بهتر [است] و اگر بقسم مغلوبیت و بی عزتی چنانچه از خط انگریز معلوم میشود منعقد از آن صلاحیت [با انعقاد آن نوع صلح]، مرگ تمامی اهالی افغانستان بمراتب بهتر است. سمت مشرقی اگر قوت مدافعه قدری بهم برساند و مهاجمه و پیش قدمی اصلاً نکند، سمت جنوبی به مدافعه و مهاجمه و پیش قدمی آزاد است و بقدر وسع و طاقت حملات دشمن را تحمل خواهد کرد مداخله در مملکت دشمن نمیتواند [؟؟]، و لا محاله انگریز را به صلح مجبور خواهد کرد. در سمت جنوبی الحمدلله تعالی الی حال حالتی که باعث ناامیدی باشد واقع نیست اگر طرف مشرقی بلکل برباد نباشد، صلح مغلوبی [صلح بر بنیاد مغلوبیت] بربادی دولت است.

دانسته شدم درباب مشرقی واضح برای شما در فقره اول مرقوم گردیده که همه شکست خورده و جلال آباد و جباخانه و خزانه را لاکلام از بی غیرتی منصبداران و افسران نظامی خراب کرده برباد دادند چنانچه همه متفرق شدند با وجود آن بزحمات بسیار مردم جلال آباد را که تاراج و برباد شده و آواره گردیده بودند، جمع آوری فرموده بنای مکالمه و مکاتبه شد با وجود آن شرایطی که ما خواهش داریم انشاءالله شرف و عزت دولت افغانستان مد نظر است چنانچه نقل شرایط و قرار و خواهش کامل برای عالیجاه اخوی سردار محمد نادر خان سپه سالار فرستاده شده اگر خیال شما بوده باشد طلب نمائید. چه نقصان پیش شده که به خواهش آنها صلح کنیم اگر یک تکه جزوی از دکه را به سمت

مشرقی گرفته، صدها موافق آنرا از سمت جنوبی داده است. لله الحمد مسلمان میباشیم و به هیچ طریق از خیر دولت و ملت افغانستان نخواهیم گذشت.

فقره سوم - مردم خارجه از مسعود و وزیر و داور وطنی که در این مدت یک ماه به تحریک دولت علیه [مقصد دولت افغانستان است] کمر جهاد را محکم بسته تهانه انگریزان را خراب و تاراج کردند و بصد ها نفوس شان به شهادت رسید، در مصالحه اگر دفع مضرت کفار از آنها نشود [از ایشان حمایت صورت نگیرد]، یک عالم نفوس را به هلاکت رسانیدن است و آینده در وقت ضرورت هیچ احدی اعتماد بدولت نخواهد کرد و آینده قوه حرکت برای اقوام مذکوره نخواهد ماند.

اطلاع حاصل شد - هرگاه نقل مراسله والا را که در باب شرایط صلح ارقام و ارسال گردیده ملاحظه کنید، دانسته شما میشود که گفتگوی و خیال و فکر و الا یک فقره درباب آزادی قوم وزیرستان است هیچ طریق صلح بی شرف [مغایر شرف] را قبول نمی کنم باقی تفویض همه امورات بخداوند است.

فقره چهارم - قرار تجربه اکثر کار محاربه بذریعه توپ میشود که دو ضرب توپ "اوت زر" [توپ های ساخت جرمنی با قدرت انداخت فاصله دور] که مفرزه سمت جنوبی همراه دارند هر دو توپ یک جراثقال [جراثقال] دارد که یک ضرب توپ محسوب میشود و برای هر دو توپ پنجاه دانه کارتوس جباخانه داده شده که تماماً در تل بمصرف رسیده و الا هر دو توپ بیکار صرف گفته میشود. جباخانه توپ مذکور و چند ضرب توپ (9) پن معه جباخانه ضرورت دارد که بزودی در میدان جنگ برسد و جراثقال هم فرستاده شود.

اطلاع دست داد - درباب توپ اوت زر و جباخانه آن بتاريخ 5 ماه رمضان المبارک فی توپ یکصد فیر که جمله دوصد کارتوس شود، فرستاده شد که حالا در خوست رسیده و یک عدد جراثقال آن فرستاده شد بزودی میرسد، لکن خواستن جباخانه و توپ نظامی به اصول درست نیست از طرف عالیجاه عزیز بنیان اخوی سردار محمدنادرخان که برای هر حدود اسباب و جباخانه خواسته شود و برای هرکدام شما فرستاده شود، درست میشود. مثلاً ارجمند شاه محمود خان هم بحضور والا معروض داشته نفری [عسکر] میخواید و هم برای سردار سپه سالار از عریضه آنها واقف نشده و علیحده از حضور نفری مطالبه میدارد، بحضور معلوم نمی شود که برای ارجمند شاه محمود خان خواسته و یا برای دیگر جای. باید از برای یک جا، دو دفعه نفری و جباخانه فرستاده شود. انشاءالله تعالی - تیلیفون هم بزودی میرسد و سررشته خط رسائی هم بدرستی شده و بعد از این سررشته چنین کرده شود که بهر جای نفری با جباخانه بکار باشد بحضور عالیجاه اخوی سردار محمدنادرخان خبر داده شود. اگر از اسباب خواستگی نزد خود او بود، روانه میدارد و الا بحضور عرض کرده طلب میدارد و کار یک دسته میشود و بسررشته آن سرکار والا دانسته میشود مثلاً:

توپ اوت زر از طرف سپه سالار هم خواسته شده بود و حال شما هم عرض کرده اید، معلوم نشد که توپ های اوت زر نزد شما می باشد یا نزد سپه سالار. کار که از یک طرف و یکدست باشد انشاءالله معطلی نمی شود و خود سپه سالار عرض [درخواست] میکند و برای هرکدام روانه میدارد. ریوت خیریت و اطلاع دهی خود را بحضور معروض میدارید تا از کارروایی های شما دانستگی حاصل گردد.

فقره پنجم - معروض داشته اید که اگر صلاحیت [صلح] بزودی امکان نداشته باشد و موعد معاش از سه ماه و تا چهار ماه زیادتر یا کمتر مقرر شود که تا موعد مقرر [تا رسیدن وقت تادیه معاش] هر یک هرکس پی کار خود شود و بموعد [تادیه معاش] همه شان بالای بندرات [در محل تجمع قطعات] جمع

د پانیو شمیره: له 4 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

گردند. در این صورت دولت از مخارج یومیة مجاهدین فارغ شده و به تهیه امور ضروریة خود مشغول میشود و مجاهدین نیز نا امید مطلق نشده حالا بمرکز [به محلات اصلی] خود عود نموده [برگشته] و بوقت مقرر بذوق حاضر معركة جهاد میشوند و اگر چنین نشود در ایام متارکه از مصارف بی اندازه، خزانه تهی و گدامها خالی و مجاهدین متفرق و نظامی بد دل و دشمن قوی دست و کامیاب میگردد و هرچه بخواهد میتواند.

اطلاع حاصل شد - سرکار والا هم کوشش دارد بهر صورت شود یک موعده گذاشته خواهد شد. یقین سرکار والا حاصل است که [اگر] از هیچ طریق صورت و صلاحیت [صلح و مصالحه] سر نخواهد گرفت [نگیرد]، جنگ جاری میشود. چرا که شرایط صلح را بسیار بلند انشاءالله تعالی ما خواهش داریم ممکن ندارد که همه را قبول کنند تا دیده شود که از پرده غیب چه بظهور خواهد آمد، ازین طرف خاطر خودها را جمع دارید که فضل خداوند شامل حال است.»

امضا : امیر امان الله

(ثبت شد داخل کتاب فرامین حضور والا - دستخط عبدالرشید)

[پایان فرمان]

تلاش در جهت راه حل سیاسی با استفاده از موفقیت مختصر نظامی:

از محتوای همه فقرات پنجگانه فرمان فوق فقط یک نکته واضح میگردد که حضرت صاحب فضل محمد مجددی "شمس المشایخ" که بیشتر قیادت نیروهای محلی و قومی را زیر نظر داشت و نیز سپه سالار محمدنادر خان و برادران هریک شاه ولیخان و شاه محمود خان با تصمیم شاه امان الله خان مبنی بر قبول پیشنهاد متارکه با انگلیس ها موافق نبودند و میخواستند که جهاد را در محاذ جنوبی بکمک و استعانت اقوام و قبایل سرحدی بخصوص وزیر و مسعود (میسود) ادامه دهند. در حالیکه جبهات مشرقی زیر فشار شدید حملات زمینی و هوایی دشمن مواجه به ضعف جدی گردیده بود و جبهه قندهار نیز تا آنوقت در برابر دشمن در حالت دفاعی قرار داشت. اما حکومت مرکزی قاطعانه تصمیم بر متارکه و توقف جنگ را گرفته بود که دلایل آن را قبلاً بیان کردیم. لذا شاه امان الله در برابر نگرانی های مطروحه حضرت صاحب شمس المشایخ جوابیه های لازم را ابلاغ و تأکید بر آن داشته که در مذاکرات صلح «تا جان در تن و رمق در بدن داشته باشم از خیر و شرف دولت و ملت افغانستان نخواهم گذشت... صلح بی شرف [بدون رعایت شرف] افغانستان را انشاءالله تعالی به هیچ صورت قبول نخواهم کرد. اگرچه گفتگو و مکالمه را سررشته نموده ایم و مظنه حاصل میشود هرگاه صلح بشرف [برطبق شرف] افغانستان را قبول کردند و مراد و مدعایی که داشته و داریم، حاصل شد و اگر اندک از شرایط ما را قبول نکردند، از سر و جان خود گذشته خود را انشاءالله تعالی زبان زد خلق نخواهم ساخت، به هر صورت در کارروائی ها [تدابیر و اقدامات] بمعاونت الهی کوشش داشته و داریم تا اراده باری تعالی به چه طریق رفته باشد.»

شاه امان الله غازی همچنان در فرمان خود راجع به کمبود توپ و جباخانه نیز اطمینان داده که هرچه زودتر ارسال میگردد و اما باید تمام درخواست ها از طریق قوماندان اعلی جبهه یعنی سپه سالار محمدنادر خان صورت گیرد و کار باید «از یک دست» عملی شود، نه بصورت جدگانه و انفرادی.

د پانیو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

در اینجا باید خاطر نشان کرد که شاید دلیل مخالفت با برقراری متارکه از طرف بعضی شخصیت های ملکی و نظامی شامل در جهاد از روی حسن نیت و به مقصد پیشرف قوا در ساحات زیر تصرف انگلیسها در ماورای سرحد بوده باشد و بخصوص در جبهه جنوبی که اقوام وزیر و مسعود در موفقیت و دست آورد های نظامی با شهادت قابل وصف جنگیدند و جمعاً بیش از 20 هزار نفر در آن اشتراک کردند، درحالیکه قوای دولتی در این جبهه بیش از یکهزار نفر نبود. اما برای دولت افغانستان این پیشرفتهای نظامی کوتاه مدت، درد سر های بزرگ را در دراز مدت بار می آورد که شاه امان الله از آن کاملاً واقف و آگاهی داشت، از جمله: نگهداشت آن ساحه ها کار بس دشوار بود، زیرا دولت افغانستان با بنیه بسیار ضعیف نظامی از عهده آن برآمده نمیتوانست و با تجارب قبلی استقرار امنیت و پخش نفوذ دولت در آن ساحات با موجودیت اختلافات و رقابت های جدی بین اقوام آنجا از یکطرف و اعمال سیاست "تطمیع" و "تفرقه اندازی" بوسیله انگلیس ها از طرف دیگر همه امید ها را بزودی به یأس تبدیل میکرد.

لذا یگانه راه برای حصول استقلال کامل کشور که هدف اصلی شاه امان الله غازی را در جنگ سوم افغان و انگلیس تشکیل میداد، همانا استفاده از پیشرفت های نظامی حاصله در آن جبهه بود که با استفاده از همچو موفق بهتر، زمینه رجوع به راه حل سیاسی را مساعد می ساخت. خوشبختانه این راه دراز و پر از نشیب و فراز را شاه امان الله و حامیان جدی و صادق او در ظرف تقریباً دو سال با تدویر سه دوره مذاکرات و نیز با اعزام هیئت های رسمی به کشورهای بزرگ اروپائی به موفقیت تام طی کردند و در نتیجه پس از شناسائی استقلال کشور به وسیله یک تعداد کشورهای آسیائی و اروپائی، دولت انگلیس مجبور به شناخت استقلال کامل کشور گردید و با امضای معاهده کابل که بتاریخ 30 عقرب 1300 (مطابق 22 نوامبر 1921) بین محمود طرزی وزیر خارجه افغانستان و سرهنری دابیس رئیس هیئت انگلیس در 14 ماده، روابط سیاسی دو کشور برقرار گردید، طوریکه در ماده اول آن معاهده آمده است: «دولتین علیتین برتانیه و افغانستان بالمقابل تمامی حقوق استقلال داخلی و خارجی یکدیگر خود شانرا تصدیق نموده، محترم می شمارند.»

(در قسمت بعدی و آخر این مقاله بازم در ارتباط همین موضوع یک فرمان دیگر شاه امان الله را عنوانی سپه سالار محمدنادرخان نقل میدارم که فقط 11 روز بعد از این فرمان یعنی بتاریخ 7 سرطان 1298 صادر گردیده است و حاوی یک تعداد هدایات مهم در زمینه میباشد.)

(ادامه دارد)

د پانیو شمیره: له 6 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ